

### جوان‌گرایی در هنر امروز ایران در گفت‌وگو با افشین پیرهاشمی

# با ۵۰۰ امضای شد هنر ایران را عوض کرد



نیما توسلی

«فقر بین‌نقاش‌های این دوره پیداد می‌کنه. من ا‌گه ایسن‌جوری ادامه پیدا کنه مجبور میشم گوشم رو ببرم؛ مثل ونگوگ». اینها را نقاشی‌س جوان در صفحه شخصی‌اش نوشته. در توصیف فضای امروز هنر ایران؛ فضایی که عده‌ای آن را «بیمار» می‌خوانند که باید درمان شود. برخی دیگر اما این فضا را بخشی از پروژه تجاری‌شدن و تجاری‌کردن هنر می‌دانند که از نتایج جهانی‌شدن اقتصادی و همچنین جهانی‌شدن فرهنگی است. اما اینها به کنار، قطعاً حمایت از جوانان مستعدی که کسی حاضر به سرمایه‌گذاری روی آنها نیست و دیده نمی‌شوند، از ضروریات امروز است. درواقع تکلیف جوان‌ها چیست؟ یک استاد به حد کافی معرفی شده و امکان هم ندارد مثلاً در ۸۰سالگی دچار هشج و خلق دیگری شود اما حمایت مجموعه‌دارها و گالری‌دارها از جوانان، آنان را به استادان آینده تبدیل می‌کند. افشین پیرهاشمی» که سال‌هاست انزوایی خودخواسته پیشه کرده، یکی از جوانان دیروز است که زنان هراسناک و معترضش، گاه با ماسک‌هایی بر چهره اعتراضشان را نشان می‌دهند. پیرهاشمی هنرمندی است که پیچیدگی‌های زندگی روزمره مدرن ایران را از طریق پرتژه‌های عکس‌نماییانه و واقع‌گرایانه که اغلب در حواشی خود به ترکیبات اکسیرسوپنستی و به تابلوهایی دراماتیک بدل می‌شوند، مسود آ آزمایش فرارمی‌دهد. او تحت‌تأثیر نقش زن در جامعه معاصر ایران و ارتباطاتش با جهان بیرون است و با ورود به ابعاد فیزیولوژیک ایران معاصر، در جست‌وجوی تبیین و تصویر قدرتی است که از طریق فضاهای جنسیتی قادر به بروز هستند. نخستین آثار به‌نمایش درآمده پیرهاشمی سال ۱۳۷۰ دیده شد و این هنرمند ۴۳ساله متولد ارومیه، پس از آن به فعالیت هنری خود در تهران ادامه داد. سال ۱۳۸۲ در ششمین دوسالانه نقاشی تهران جایزه برگزیده هیئت داوران و نیز جایزه بهترین اثر را به انتخاب آرای تماشاگران از آن خود کرد. یک سال بعد، جایزه اثر متفاوت دوسالانه پکن را به خود اختصاص داد؛ جایزه‌ای که به‌گفته خودش، مقدمات ورود او را به نمایشگاه‌ها و حراج‌های خارجی فراهم کرد. زنان جسور تابلوهای او، گاه کنار پرسوناژهای سینمایی مانند مارلون براندو و آل‌پاچینو به تصویر کشیده شده‌اند. جدا از دریافت جایزه متفاوت دوسالانه پکن در سال ۲۰۰۴، حضور در فهرست ۵۰۰ هنرمند برتر سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ و کسب دو رکورد نیم میلیون دلاری در حراج «کریستیز»، از او چهره‌ای خرسبز در هنر معاصر ایران ساخته است. اخیراً در حراج «فیلیپس» لندن، نامش به‌عنوان تنها هنرمند ایرانی در کنار نام‌هایی مانند ژوزف بویز، گرهارد ریشرتر، اندی وارهول، دیمین هرست، ویکتور وازارلی، دیوگه گوتومی، آرمان، فرانتز کلاین، سیدنی شرم‌ن و… قرار گرفت و اثری از او در این حراج چکش خورد؛ هرچند به گفته خود نقاشی در حضور این اثر در این حراج نداشتنه و از مجموعه‌ای ایتالیایی به لندن فرستاده شده است. پیرهاشمی از پنج سال قبل با گالری «ایام» دوبی کار می‌کند و نمایشگاه اخیرش با عنوان House of Cards، خانه پوشالی) به‌خاطر تعریض‌های سیاسی‌اش به کاخ سفید و یادآوری سریال آمریکایی به همین نام درباره رقابت‌های سیاسی این کشور، حاشیه‌هایی را رقم زد. هرچند این نقاش برداشت سیاسی از کارهایش را رد می‌کند. با او درباره وضعیت فعلی نقاشی ایران گفت‌وگو کردیم.

**ک گفته می‌شود حراج‌ها روی نگاه هنرمندان اثر گذاشته و هنرمندان به سمت هنر بازاری رفته‌اند تا پول بیشتری به دست بیاورند؛ به‌ویژه هنرمندان جوانی که مثلاً در جایگاه ۲۰ سال پیش شما قرار دارند.**
از همه مهم‌تر این فضا به حذف هنرمندان مستعد و جوان و به حاشیه‌رفتن و گاه مهاجرت‌شان انجامیده.

نظرتان در این‌باره چیست؟

اول اینکه وقتی هنرمند جوان ۳۰ساله‌ای که تا دو سال قبل هم می‌توانست تابلو بفروشد به من نامه می‌فرستد که حتی پول ندادرد رنگ بخرد دلم آتش می‌گیرد. اینکه من با شما نمی‌توانیم به همه کمک کنیم و در جایگاهی نیستیم که بتوانیم گره از مشکلات بی‌شمار نقاش جوان بزنیم. من همین الان می‌توانم صد نفر نقاش و هنرمند را جمع کنم که کمک خواسته‌اند و در فقر زندگی می‌کنند. اما چه کسی باید به آنها کمک کند؟ اخیراً جمعی از نخبگان هنر ایران و بیش از ۵۰۰ هنرمند در نامه‌ای خطاب به دکتر حسن روحانی، رئیس دولت دوازدهم، به توهین‌ها و ناسزا‌های رئیس فرهنگستان هنر اعتراض کردند و خواهان رسیدگی به آن شدند. نمی‌دانم ۵۰۰ امضا از کجا آمده، چون من حداقل ۵۰ نفرشان را می‌شناسم. ولی ای کاش همان پنجاه نفر نامه می‌زدند و از دولت ۱۰ میلیارد کمک می‌خواستند و این پول را به هنرمندان وام می‌دادند. باور کنید انجام می‌شد. در هر کشوری با امضای صد یا ۲۰۰ هنرمند می‌شود وضعیت هنر را عوض کرد. همین نامه را با این تیر که «پول نداریم» اگر به آقای روحانی می‌نوشتند، می‌توانستند پول زیادی بگیرند و مثل بانک، به هنرمندان وام دهند! تصور می‌کنم کسانی که بقیه را تشویق کردند یک‌سری افراد هستند که احتیاج ندارند و به‌خاطر سود شخصی خودشان این کار را کرده‌اند. هرکسی این کار را کرده اشتباه کرده.

**رئیس فرهنگستان هنر ادبیاتی دون شَن‌ان یک مقام فرهنگی به کار برده. ایشان این حرف‌ها را روی سرپرک فرهنگستان هنر مرقوم و آن را روی وب‌سایت رسمی این نهاد منتشر کرده.**
نامه ۵۰۰ هنرمند در تقبیح این ادبیات است…

رئیس فرهنگستان یک نفر است که نظرش را می‌گوید و نباید مورد حمله ۵۰۰ نفر قرار گیرد. ۵۰۰ نفر می‌خواهند کاری کنند یک کار درست انجام دهند. من منتظر بودم ببینم درست می‌شود؟ که نشد. این ۵۰۰ امضا می‌توانست به هنر و این بساط کمک کند که نکرد. می‌خواهم به آرتیست‌ها به‌ویژه هنرمندان جوان بگویم کسانی که هنر دستشان است چطور فکر می‌کنند و به آنها بفهمانم از این کارها نکنند و اگر راست می‌گویند کار دیگری کنند و پول بگیرند و به هنرمندان جوان وام بدهند. اگر اینها پنج میلیارد هم می‌گرفتند که اصلاً رقم زیادی نیست که آقای روحانی به اهالی هنر بدهد، می‌توانستند از طریق انجمنی که حتما انجمن نقاشان نیست، به هنرمندان جوان وام دهند که اقلاً لوازم نقاشی بخرند و هر زمان که کاری فروختند، وامشان را برگردانند. نمی‌دانید چقدر حرص خوردم مخصوصاً اینکه نمی‌دانم چرا هر هنرمندی که به مشکل برمی‌خورد، از من کمک می‌خواهد.

**ک شما را «ستاره حراج‌ها» لقب داده‌اند و لابد «اقتصاد هنر» می‌تواند اولین سوژه در بازکردن سر صحبت با شما باشد!**

آنچه شما می‌گویید مربوط به سال‌های قبل است. الان اقتصاد هنر خاورمیانه به دلیل اینکه قیمت نفت به کمتر از نصف رسیده، خوابیده. چون اقتصاد خاورمیانه خیلی به نفت وابسته است و همین‌طور مسائل تروریستی و فضای حاکم بر خاورمیانه به نظرم هنر خاورمیانه را خوابانده.

من پنج سال است که دیگر با گالری‌های ایران کار نمی‌کنم و به صورت حرفه‌ای با یک گالری خارجی قرارداد دارم. رکوردهای آثارم در حراج‌ها مربوط به هفت، هشت سال قبل است. من خودم زمانی می‌توانستم و کمک می‌کردم اما همان‌طور که هنرمندان زیاد شدند، درخواست‌های کمک هم زیاد شد و وضعیت زندگی من هم کمی تغییر کرد.

**ک اینکه آرتیست‌های جوان ما در فقر به سر می‌برند و جای کار و وسایل کار ندارند، به نظرتان به چه دلیل است؟**

معضل سیاست‌گذاران است. وقتی ۵۰۰ امضا جمع می‌کنند که به یک نفر حمله کنند، به جای اینکه ۵۰۰ امضا جمع کنند تا گرفتاری آرتیست‌ها را حل کنند. انجمن نقاشان عوض رسیدگی به وضع هنرمندان جوان و مشکلات آنها کارش امضاکردن بیانیه شده. در واقع انجمن نقاشان الان انجمن هنرمندانی است که پولدار هستند به‌خاطر اینکه کلی حق عضویت پرداخت می‌کنند. حال چطور آرتیستی که پول ندارد لوازم نقاشی بخرد، پول عضویت انجمن نقاشان را می‌دهد؟ اینها چشمشان را روی چه چیزی بسته‌اند؟



الان هنر و نقاشی یک کار لوکس شده؛ آن‌قدر که لوازمش گران است! چه کسی گفته الان هرکسی می‌تواند هنرمند شود؟ من هنرمندان جوان و درجه‌یکی را می‌شناسم که وضعیت معیشتی اقتضای دارند و باید یک بانکی تشکیل شود که به اینها وام بدهد. من به‌تهنایی نمی‌توانم برای همه کاری انجام دهم. این ۵۰۰ هنرمند حتی اگر الان هم امضا جمع کنند، می‌توانند بودجه بزرگی بگیرند و به هنرمندان وام بدهند.



**ک جوان‌گرایی مدنظر شما تبعاتی هم دارد.**
کارهای همه جوانان قابل‌پذیرش نیست و مرز پارکی است بین جوانان مستعد و جوانان پرهیاهو. اتفاقاً گفته می‌شود هنرمندان در ایران، خلاف خارج آسان است…

الان هنر و نقاشی یک کار لوکس شده؛ آن‌قدر که لوازمش گران است! چه کسی گفته الان هرکسی می‌تواند هنرمند شود؟ من هنرمندان جوان و درجه‌یکی را می‌شناسم که وضعیت معیشتی اقتضای دارند و باید یک بانکی تشکیل شود که به اینها وام بدهد. من به‌تهنایی نمی‌توانم برای همه کاری انجام دهم. این ۵۰۰ هنرمند حتی اگر الان هم امضا جمع کنند، می‌توانند بودجه بزرگی بگیرند و به هنرمندان وام بدهند. وام‌دادن یک کار کاملاً قانونی است و به راحتی می‌توان انجام داد. مثلاً یک نفر، دو میلیون تومان وام می‌گیرد و شروع به کشیدن نقاشی می‌کند و ماهی ۲۰۰ هزار تومان برمی‌گرداند، اگر تابلو فروخت، بیشتر برمی‌گرداند و بیشتر وام می‌گیرد.

**ک تجربه کشورهای دیگر در بهبودبخشیدن به زندگی و معیشت هنرمندان چطور است؟**

شرق دور، ژاپن، چین، کره و هند الان هنرشان خیلی با سرعت بیشتری نسبت به خاورمیانه و حتی اروپا و آمریکا پیشرفت کرده و همین‌طور هم ادامه پیدا می‌کند. تا جایی‌که اطلاع دارم مردمان سختکوشی هستند و مهم‌تر اینکه سرمایه‌داران چینی، کردها یا ژاپنی خیلی پولدار هستند و آرتیست‌هایشان را خیلی سپاورت می‌کنند. این‌طور نیست که یکی، دو سال با یک آرتیست کار کنند و بعد رهایش کنند. برنامه‌های طولانی‌مدت برای آرتیست‌هایشان دارند و هزینه‌های گزاف می‌کنند و می‌دانند هرچقدر هزینه‌کنند برمی‌گردد. برنامه‌های پنج‌ساله و ۱۰ساله دارند و به نتیجه می‌رسند. چون اقتصاد شکوفا و سرمایه‌دارهای بزرگی دارند، از هنرمندان حمایت و آنها را به چهره‌های بزرگ تبدیل می‌کنند. اگر دقت کنید اقتصاد شرق دور هنوز خیلی خوب است.

**ک اما مشکلات سیاسی را دارند…**

همه‌جای دنیا گرفتاری‌های سیاسی وجود دارد.

**ک بله.**
اما چین «آی‌وی‌وی» را حصر خانگی کرده…

و خیلی معروف‌تر شد.

**ک به نظرتان دلیل رشد او به چو‌ده؟**

## هنر و معماری



به خاطر هوش زیاد رشد کرد. به‌رحال فاکتورهای زیادی باعث پیشرفت می‌شود، فقط اینکه یک هنرمند استعداد داشته باشد، اتفاقی برایش نمی‌افتد. باید به خیلی چیزها از جمله روابط مسلط باشد و به نظرم آخرین مورد شانس است. ایرانی‌ها عادت دارند هرگاه برای کسی در هر رشته اتفاق خوبی بیفتد، بگویند شانس داشت. فکر و ایدئولوژی یک انسان است که باید چه کاری برای پیشرفت انجام دهد. اما آنچه را که نمی‌شود نادیده گرفت، سرمایه زیاد در شرق دور و پولدارهای وحشتناک و حمایت‌های خیلی بزرگ است.

**ک به دشواری‌های جوانان هنرمند اشاره کردید.**
اخیراً موزه‌ای در شمال کشور تأسیس شده به نام موزه «دی‌دی» که کارش حمایت بدون چشمداشت از جوان‌هاست. حتی شنیده‌ایم جایی برای کار در اختیار برخی مجسمه‌سازان جوان قرار داده است…

واقعاً دستشان درد نکند. اما متوجه هستید که با ۵۰۰ امضا زیر یک نامه می‌کنند این را عوض کرد؟ **ک نباید این واکاوس صورت می‌گرفت؟** از من خواستند و من گفتم امضا نمی‌کنم. **ک به نظر شما چطور باید با این موضوع برخورد می‌کردند؟** حرکتی به این بزرگی به‌خاطر ادبیات یک نفر، نه به‌خاطر وضعیت نابسامان جامعه هنر، از اساس اشتباه است. من اخیراً بعد از دو، سه سال خامی را دیدم که خودش و نامزدش آرتیست هستند؛ درحالی‌که ریالی برای نقاشی‌کردن ندارند. چطور قرار است زندگی کنند؟ مثلاً می‌پرسم می‌شود در لواسان جایی ارزان برای کارکردن پیدا کرد؟ بعد خودشان می‌گویند کار کنیم، چه کسی از ما می‌خرد؟ آن‌قدر وضعیت اقتضاح است، از این آدم‌ها متعجبم که مگر این وضعیت را نمی‌بینند؟ یک جامعه بس‌بسیار پولدار با هم متحد شده و علیه یک نفر نامه امضا می‌کنند. این حرکت که هنر زشت است.

**ک حرفتان چیست؟**

به عنوان کسی که در این سال‌ها کار خریداری کرده‌ام، به‌عنوان کسی که آرتیست‌های جوان‌تر تصور می‌کنند حامی هنر هستم که مدتی بودم، می‌خواهم جلوی اینها بایستم و بگویم کارتان اشتباه بوده و دوباره ۵۰۰ امضا جمع کنید؛ من اگر گفتم صد میلیارد با ۵۰۰ امضا برای هنرمندان می‌گیرم می‌توانم بگیرم. هیچ‌وقت حرف بیخود نمی‌گویم.

**ک پس به نظرتان حرکت‌های جمعی می‌تواند مسیرش را به سمتی برده که برای هنرمندان همان حیضه منافع قابل دسترس را فراهم کند؟**

واقعاً بزرگ‌ترین همکاری هنرمندان بود که در زندگی‌ما دیدم. اما این همکاری را استفاده کردند که اعلام کنند ادبیات رئیس فرهنگستان هنر بد است. با ۵۰۰ هنرمند می‌توانستند کل هنر را عوض کنند. حداقل می‌توانستند وام خوبی با این امضاها بگیرند. آقای روحانی واقعاً مایل به انجام چنین کارهایی است. یعنی اگر اینها وضعیت بد هنر و دانشجویان هنرمدان را شرح می‌دادند، می‌شد به خیلی‌ها کمک کرد. این نامه که منتشر شد، همان زمان من داشتم پیغام کسی را می‌خواندم که گفته بود وضعیتم به جایی رسیده که باید گوشم را ببرم. شبیه ون‌گوگا! این ۵۰۰ نفر باید به خودشان بیایند چون در بینشان کسانی هستند که می‌توانند کارهای خوبی انجام دهند. باید با اینها به‌گونه‌ای برخورد شود (که من به‌خورد می‌کنم) اگر می‌توانند دوباره امضا جمع و برای وام‌دادن به هنرمندان پول جمع کنند یا در فضاهای شخصی و گالری‌ها و حراج‌هایی که دارند، حداقل تا حدی کمک کنند.

**ک بحثی که شما می‌کنید، خیلی بغرنج‌تر از این حرف‌هاست…**

امضای ۵۰۰ نفر بزرگ‌ترین همکاری در زمینه هنرهای تجسمی بود؛ ولی نه برای اینکه دور هم جمع شوند تا به رئیس جمهور بگویند ادبیات یک نفر درست نیست. اگر می‌خواهند جبران کنند نامه دیگری درست کنند؛ من کنارشان می‌ایستم. اگر نامه‌ای با امضای ۵۰۰ هنرمند را داشتم، می‌توانستم خیلی کارهای بزرگی انجام دهم. وضعیت هنر از لحاظ مادی و معنوی خیلی بغرنج شده. اگر این وضعیت ادامه پیدا کند جوان‌های ناامید، ناامیدتر می‌شوند. نقاشان جوانی هستند که شاگردان همین آدم‌ها یا آرتیست‌های گالری این افراد هستند و برخورد‌ها را شنیده‌ام. سیستم امضاگرفقتشان درست بود اما حیف برای منافع اشتباه انجام شد. من ۲۵ سال قبل نمایشگاه گذاشته‌ام و وضعیت امروز هنر ایران را نمی‌توانم تحمل کنم و بسیار حرص می‌خورم. هفته قبل یکی از نقاشان را دیدم که در وضعیت مالی بدی قرار داشت. اینها را می‌بینم و نمی‌توانم با آرامش به نقاشی‌ام ادامه دهم. امروز مگر می‌توانم خوب کار کنم؟ متعجبم چرا رسانه‌ها هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌دهند بابت بزرگ‌ترین همایش هنرمندان علیه یک نفر. بزرگ‌ترین همایش اینها نباید بر علیه ادبیات یک نفر باشد. هر کسی که باشد. بزرگ‌ترین همایشتان باید برای حل مشکل هنرمندانی باشد که حتی پول برای خریدن رنگ ندارند و نیازمند گرفتن وام هستند. آرتیست‌هایی که حتی یکی، دو نمایشگاه انفرادی داشتند الان به کلی مقروض شده‌اند… باید تلنگری به همه ما بخورد که جواب هنرمندان و شاگردانشان را بدهیم. ما باید جمع شویم و کاری درست انجام دهیم یا در حیطه خودمان سعی کنیم بهترین باشیم. به فکر هنرمندانی باشیم که ۸۰درصدشان چیزی ندارند. حتماً هم پای انجمن نقاشان باید وسط بیاید. انجمنی که کاری نمی‌کند جز حق عضویت گرفتن. در موقعیتی که هنرمندان نمی‌توانند لوازم نقاشی بخرند، یکی از مشکلات هنرهای تجسمی انجمن نقاشان ایران است که به جای اینکه آنها با شما صحبت کنند، من باید با شما صحبت کنم. من با این کار در یک صدم آنها امیدواری ایجاد می‌کنم؛ شاید هم جمع شدند و کاری کردند. شاید با من تماس گرفتند و اتفاقاتی رخ داد…

#### خط و نقطه

در لزوم سناریوهای طراحی درون‌زا

هم‌افزا



بهرام هوشیار یوسفی

در علم آینده‌پژوهی، سناریوها بدون تلاش برای پیش‌بینی ولی با چاشنی نگاه راهبردی به آینده‌های احتمالی می‌پردازند؛ سناریوها در قالب روایت‌هایی دقیق و در سطحی فنی به‌عنوان ابزار تصمیم‌سازی در مطالعات آینده‌پژوهی به بیان دیدگاه‌های مختلف و چندگانه درباره رویدادهای پیچیده می‌پردازند و به آنها معنا می‌بخشند. دیوید اینگوار، عصب‌شناس سوئدی، از سناریو به «خلق حافظه‌هایی برای آینده» تعبیر می‌کند. دکتر علی ستاری‌خواه در کتاب «آینده‌پژوهی و سناریونویسی کاربردی» آینده را چیزی جز نتایج کنش‌ها و تصمیم‌های ما در زمان حال نمی‌داند و معتقد است بدون آینده‌نگاری، «آماده‌شدن برای فردا امکان‌پذیر نیست». نویسنده با اشاره جالبی به داستان «آلیس در سرزمین عجایب»، با نگاهی استعاری به «آلیس» در دنیای جدید می‌نویسد: «مانی‌که آلیس با سرعت در حال

دویدن است، اما به جلو نمی‌رود و هنگامی که او متوجه این موضوع می‌شود پیغام می‌رسد که باید از دنیایی بسیار کند آمده باشد. در دنیای در حال پیشرفت، برای حفظ موقعیت کنونی باید به‌سرعت بدویم…». ستاری‌خواه در تعریف پارادایم در فصل آخر کتاب می‌نویسد: «واژه پارادایم از زبان یونانی می‌آید و به معنای الگو و الگوی یک منحنی است. یک پارادایم به صورت مجموعه‌ای از قوانین و هنجارها (نوشته‌ها یا نانوشته‌ها) با دو ویژگی تعریف می‌شود: نخست اینکه آنها مرزها را می‌سازند یا مشخص می‌کنند و دوم اینکه مشخص می‌کنند چگونه در محدوده مرزها رفتار کنیم تا به موفقیت برسیم. به عبارتی دیگر یک پارادایم راهی است برای ندن هستی را سازماندهی کند. برای اینکه پارادایم مطلوب فرض شود باید توانایی حل مشکلاتی که پیش می‌آید را داشته باشد…».

فرهنگ طراحی ذاتاً مرتبط به صنعت و اقتصاد کشوری است که طراحی در آن صورت می‌گیرد؛ نگارنده جابه‌جا بر این نکته تأکید کرده است که چالش‌های معمارانه منحصربه‌فرد و پیچیده هستند و راه‌حل‌های چندگانه‌ای برای آنها وجود دارد؛ طبیعت آنها غیرقطعی و به‌ندرت فقط یک راه‌حل واحد برای حل مسئله آنها وجود دارد. در فراگرد معماری و نیز آموزش طراحی، جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی موضوع که از طریق شفاهی، تصویری و عینی قابل دست‌یابی در محیط طراحی هستند، الزامی و مهم است. طراحی با فرهنگ، انسان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و شناخت اجتماعی در جهت به‌دست‌آوردن نظرات جامع در طراحی همراه است. در این راستا وظیفه اجتماعی معمار، در مقام شخصیت‌هایی که باید این روند را شکل دهد، به‌راستی شایسته تأمل است؛ از طرف دیگر، اعضای جامعه به‌عنوان کاربران هستند که باید همچون ساخت‌های دیگر فرهنگی/ اجتماعی، در مقام مخاطب معمار، با نظارتی خوشمند جویای حق انسانی و شهروندی خود در محیط مصنوع باشند. این امر میسر نمی‌شود مگر با دانش‌افزایی جامعه در این راستا در کنار حس مسئولیت‌تک‌تک شهروندان نسبت به آنچه می‌بینند و آنچه در آن زندگی می‌کنند. تفکرات منشعب از سناریوهایی با قدرت ایجاد سیرزی و ماهیتی درون‌زا باشد، نه‌تنها در زمینه معماری و شهرسازی، بلکه در عرصه‌های دیگر فعالیت خلاق انسان نقش اساسی دارد؛ عرصه‌هایی همچون سیاست‌های عمومی، آموزش‌وپرورش، مراقبت‌های بهداشتی، پژوهش، سیاسی، اجتماعی و توسعه اقتصادی. درباره حل مشکلات اجتماعی به طور گسترده‌تر، خلاقیت در این عرصه فرصت‌های بالقوه را برای تبیین پایای مسیر رشد فراهم می‌کند.

#### قوس

معماری از مجاز تا واقعیت



نگین نجار ازلی معمار و پژوهشگر معماری

یک اثر معماری بخشی از باورهای ایدئولوژیک، فرهنگ، هنر و پدیده‌های دوران خویش است و با وجوه متعدد زندگی ارتباط دارد. همین ارتباط است که به معماری رخصت نشو و نما می‌دهد. درک بصری ما نسبت به جهان، مبنای معماری را تشکیل می‌دهد. به ادعان بسیاری از صاحب‌نظران، از سال‌های پایانی قرن بیستم بدین سو [به‌ویژه از آغاز هزاره سوم]، عصری نو در تاریخ بشریت آغاز شده. امروزه ما در جهانی زندگی می‌کنیم که در اطلاعات و فناوری دیجیتال، با اقتدار، تمام قلمروهای مختلف از قبیل اقتصاد، آموزش، فرهنگ و… را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. انقلاب تکنولوژیک که از اواخر قرن بیستم با محوریت فناوری اطلاعات آغاز شده، با سرعتی شتابان در حال شکل‌گیری مجدد ساختارهای بنیادین اجتماعی به‌تبع آن اثرگذاری بر تمامی پدیده‌های جهانی است. معماری نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی- انسانی از تأثیرات انقلاب اطلاعاتی پادشده به دور نمانده است. پیدایش سیستم‌های ارتباط الکترونیکی و اطلاعاتی و ایجاد جامعه شبکه‌ای باعث شده مفهوم فضایی برخی کارکردهای زندگی روزمره همچون کار، خرید، تفریح، آموزش و… دگرگون شود که این امر به نوبه خود موجب تغییر خصوصیات فضاهای معماری و ارائه تعریفی جدید از فضا و مکان در جامعه نوین شده است. آنچه امروزه تحت عناوین مختلفی همچون فضای سایبر [واقعیت مجازی] مطرح می‌شود، بازتاب تغییرات ایجادشده در مفهوم فضا و مکان است که به ارائه تعریف نوینی از معماری [از مظهر فرم، کارکرد، فرایند و ارزش] انجامیده. به‌همین‌دلیل است که فضاهای سایبرنتیک نمی‌تواند ساده و تهی باشد؛ زیرا درواقع ماتریسی از ارزش‌های انسانی است و باری روانی دارد.

باید گفت روش‌شناسی‌ها [به انگلیسی: Methodology] چیزی نیستند جز ابزارهایی که به دست کسانی ساخته و پرداخته شده که آنها را به کار می‌برند؛ ازاین‌رو خلوص روش‌شناختی، مفهومی سترون و خیال‌پردازانه است. در عصر جدید، در بسیاری از موارد معماران روش‌های متعددی را به کار برده‌اند برای همسوشتن با تغییرات دنیای نوین. لاجرم در طبقه‌بندی این روش‌ها صیغه‌ای از دلیخواهی‌گری رای یافته است. البته به‌زعم نگارنده دست‌یافتن به درکی فزون‌تر و عمیق‌تر هیچ‌گاه محصول کار اندیش‌مندان منفرد نبوده است [پنداره رمانتیکی که همه‌چیز را خواه در معمار، خواه را ناقد و نظریه‌پرداز به نبوغ فردی احاله می‌دهد]. در اکثر آثار معماری نیز تلاش معمار حرکت به سوی الگوهای مفهومی جدید آشکار است [چیزی که گاه به تعامل و گاه تقابل با خلف خود برمی‌خیزد].

مهم‌ترین تغییر جهان معاصر که بنیان تغییرات آینده جهان را می‌سازد، رقابتی‌شدن جهان واقعی و جهان مجازی است. ظهور جهان جدید یعنی جهان مجازی، بسیاری از روندها و



نگرش‌ها و ظرفیت‌های جهان را تحت تأثیر خود قرار داده است. این جهان درواقع به موازات و گاه حتی بر جهان واقعی مسلط شده و عینیت واقعی پیدا می‌کند. جهان واقعی و مجازی دارای دواودستی به‌شماری با یکدیگر هستند. جهان واقعی با خصایصی مانند جغرافیاداشت، محبوس‌بودن و طبیعی‌بودن از جهان مجازی متمایز می‌شود و جهان مجازی هم در مقابل با خصصه‌هایی مثل بی‌مکانی، فرازمانی، تکتُر، قابل دسترس‌بودن هم‌زمان، از جهان واقعی [به طور نسبی و نه کاملاً] جدا می‌شود.

جالب توجه است که لفظ فضای مجازی را نخستین بار ویلیام گیسبون [نویسنده کانادایی رمان‌های علمی/ تخیلی]، در سال ۱۹۸۲ مورد استفاده قرار داد. این فضا برای گیسبون در حقیقت فضایی تخیلی بود که از اتصال [ایانه‌هایی پدید می‌آمد که تمامی انسان‌ها، ماشین‌ها و منابع اطلاعاتی در جهان را به هم متصل می‌کرد [به صورت تقریری مشابه معنایی است که ما امروزه از کاربرد لفظ فضای مجازی در نظر داریم]. هنر و معماری امروز نیز از پیوند ارتباطات و رایانه‌ها، فضای مجازی و فضای واقعی، طبیعت و زندگی مصنوعی ظهور کرده و دنیای نوینی از زمان و مکان را می‌سازد.

این محیط، شبکه نوین دستگاه حسی ما را توسعه داده و ابعاد متفاوتیک نوینی به آگاهی و فرهنگ انسان می‌بخشد. باید گفت معمار، ی هنر آن چیز که متعلق به قلمرو هنر، علم و فلسفه باشد، معنی دارد؛ چراکه حامل نوعی آگاهی [خبر] است. قدرت تأثیر معماری، در گونه‌گونی آگاهی‌های ساخته‌شده، به پیچیدگی سازمان‌یافته و به نهایت متمرکز نهفته است.

مراد نگارنده از آگاهی در اینجا، مفهوم وسیع «وینر»<sup>۱</sup> آن به‌عنوان کلیت ساختارهای کالبدی، معنوی، عقلانی و عاطفی گوناگون است که به مخاطب انتقال یافته و تألیسری پیچیده [از نباشتن سلول‌های حافظه تا انتظام مجدد ساختار شخصیت] بر مخاطب دارد. مطالعه چگونگی عمل و حرکت این تأثیر تکلیف اصلی یک برخورد ساختارمند با معماری است.

نباید دانده گرفت هر اثر معماری که مورد توجه ما قرار می‌گیرد و یا ما را به هیجان آورده و بر ما تأثیر می‌گذارد، معنا و دلالتی دارد. برای آموختن چگونگی فهم معانی نیز لازم است بر نظام معانی کاربرد آئیم. معماری امروز با عالم واقعیت و مجاز پیوند تنگاتنگ دارد و اگر معمار به‌درستی بر خود مسلم نداند که کدام‌یک از اقلام موجود، معنی ترکیب فرم‌هاست، آن اثر از حوزه معماری خارج خواهد شد.

پی‌نوشت:

[۱] مربوط به Norbert Wiener نوبرت وینر ۱۸۹۴-۱۹۶۴، ریاضی‌دان آمریکایی و پیشگام دانش سایبرنتیک